

اسماعیل ولد‌الشیخ، فرستاده سازمان ملل در امور یمن؛

عربستان باید با انصارالله گفت‌وگوی مستقیم کند



به نظر من به یک جدایی کامل منجر نشده است.

«آیا کشورهای منطقه همچنان بر این بحران اثر می‌گذارند: برای مثال ایران؟

من تا به حال دوبار به ایران سفر کرده‌ام. ایران می‌گوید هیچ دخالتی در یمن ندارد. این موضع رسمی ایران است و ما به موضع رسمی آنها احترام می‌گذاریم.

«گفت‌وگوهایی که بین حوثی‌ها و فرماندهان امنیتی عربستان صورت گرفت روندی جدا از فعالیت‌های شما داشت؟

بله، یک روند مستقل و مهم بود. ما فقط گفت‌وگوهای مستقیم را تشویق و راهش را هموار کردیم. دولت عمان و سایر کشورها در این راه نقش مهمی داشتند. عربستان سعودی هم گام‌های بزرگی برداشت. همچنین در بین انصارالله دیدیم گفتند رهبران سیاسی بزرگشان این روند را تشویق می‌کنند. به نظر من این همان آینده است. زیرا در نهایت ما با هم همسایه هستیم. تو نمی‌توانی همسایه‌ات را خودت انتخاب کنی، اگر عربستان؛ به‌خصوص در مرز – به دلیل موشک‌هایی که حالا دیگر به شهرهای بزرگ می‌رسند و این خیلی خطرناک است – احساس نگرانی می‌کند، به نظر من باید گفت‌وگوهای مستقیم را ادامه دهد تا اطمینان خاطر بیشتری حاصل شود و حوثی‌ها این نگرانی‌ها را از بین ببرند. عربستان احساس می‌کند شلیک موشک به مرزهایش یعنی اینکه ایران آنجا حضور دارد.

«مارس گذشته شما دعوت به ازسرگرفتن گفت‌وگوها کردید. چرا به این دعوت پاسخی داده نمی‌شود؟

ما همچنان به آن چیزهایی که در کویت هم گفتیم پایبند هستیم. در آنجا ما ۹۰ روز به صورت مستقیم و غیرمستقیم بحث می‌کردیم. من همیشه به آنها می‌گفتم راه‌حل دو وجه سیاسی و امنیتی دارد. به‌لحاظ امنیتی باید نیروها عقب‌نشینی کرده و سلاح‌هایشان را تحویل دهند. یک سری مسائل امنیتی دیگر هم هست که باید حل شود. نمی‌شود پذیرفت

بی‌تردید ما خوش‌بین هستیم. بگذارید بگویم متأسفانه اگر اراده سیاسی لازم وجود داشت خیلی زودتر این بحران حل می‌شد. ملت یمن خسته است، منطقه خسته است و این جنگ عواقب ناگوار و خطرناکی داشته است؛ هم از نظر گسترش تروریسم و هم بی‌ثباتی منطقه. شما می‌دانید کشتی‌رانی در دریای سرخ را هم دارد تهدید می‌کند

گروهی خارج از دولت عمل کند و شهرها و نهاده‌ا را به کنترل خودش درآورد. اینها باید تحت کنترل دولت باشند. به‌لحاظ سیاسی هم راه‌حلش یک مشارکت سیاسی و حضور حوثی‌ها و گروه‌های علی عبدالله صالح و ... در هر دولتی است که بخواهد در آینده تشکیل شود. این حق آنهاست. هر راه‌حلی برای آینده باید در این چارچوب باشد. می‌شود سر یک موضوعی اختلاف داشت؛ اینکه مثلا انتخابات آینده چگونه برگزار شود یا به‌لحاظ زمانی چه‌موقع دولت آینده تشکیل شود، اما اینها همه جزئیات است و یک نکته جوهری به حساب نمی‌آید. نکات جوهری همان‌طور که گفتیم امنیتی و سیاسی‌اند.

«آخریا شما در شورای امنیت و در سفری که به بندر الحدیده داشتید، حرف‌هایی زدید که گویی ما شاهد یک روند جدید از مذاکرات هستیم. آیا این روند قرار است بر روند قبلی تأثیر بگذارد؟

این سؤال مهمی است. زیرا به من فرصت می‌دهد درباره نکته‌ای صحبت کنم که کمتر کسی به آن توجه می‌کند. ما الان از بندر الحدیده صحبت می‌کنیم. متأسفانه بعضی فکر می‌کنند ما راه‌حل کامل و همه‌جانبه را کنار گذاشته‌ایم و فقط می‌خواهیم مشکل بندر الحدیده را حل کنیم، اما این درست نیست. برای ما الحدیده یکی از مراحل همان راه‌حل کامل و فراگیر است. ائتلاف عربی و دولت برای حمله نظامی به این بندر آماده بودند و آن را اعلام هم کردند. ما در سازمان ملل فکر کردیم حمله نظامی به این بندر پیامدهای انسانی خطرناکی خواهد داشت و ثبات منطقه را بیشتر تهدید می‌کند.

بنابراین پیشنهادهاتی را به ائتلاف و برادران سعودی دادیم و آنها هم بخشی از آن را پذیرفتند، اما گفتند باید نقاط ابهام روشن شود. بعضی

فکر می‌کنند توافقی امضا شده، ولی نشده است. فقط فکرهایی طرح شده و آنها هم به‌لحاظ مبنایی قبول کرده‌اند که دراین‌باره گفت‌وگو شود. متأسفانه تاکنون من نتوانسته‌ام با برادران انصارالله و کنگره به صورت مستقیم دراین‌باره گفت‌وگو کنم. چنان‌که گفتم، در صنعا با برخی رهبران تماس گرفتم و این فکرها را به آنها منتقل کردم، ولی نتوانستیم جلسه‌ای را که می‌خواستیم تشکیل دهیم.

«این فکرها چیست؟

بله، اول اینکه الحدیده یک هدف نیست، بلکه گام نخست در مسیر یک راه‌حل فراگیر است. بعد از اینکه مسئله الحدیده را حل کردیم قصد داریم به آتش‌بس برسیم و دوباره بازگشت به مذاکرات مستقیم. شما می‌دانید من با صباح خالد الصباح، وزیر امور خارجه کویت، دراین‌باره دیدار داشتم و آنها هم استقبال کردند. گفتند ما واقعا برای پایان‌دادن به این بحران و امضای یک توافق صلح آماده‌ایم.

در الحدیده یک بخش امنیتی وجود دارد؛ یعنی باید یک کمیته نظامی امنیتی مرکب از افسرانی تشکیل شود که به صورت مستقیم در جنگ شرکت نداشته و مورد احترام همگان باشند. آنها باید بر مسائل امنیتی شهر الحدیده و بندر آن نظارت داشته باشند. این افسران از سوی واحدهای نظامی مستقر و موجود در آنجا حمایت می‌شوند و آنها نیز در مسافتی که شلیک موشک به مرزهایش یعنی اینکه ایران آنجا حضور دارد. یک کمیته اقتصادی و مالی مرکب از بازرگانان تشکیل شود. دراین‌باره ما با افراد مختلفی صحبت کردیم. آنها، هم به‌نفع خودشان و هم شهرشان است و حاضر شده‌اند بر این کار نظارت کنند. قرار است سازمان ملل و دیگران هم بر این روند نظارت کنند تا درآمدهای بندر معلوم شود و حقوق کارمندان را پرداخت کنند.

اگر برادران انصارالله به سازمان ملل به‌خاطر مسئله حقوق‌ها ایراد می‌گیرند، باید گفت درآمدها زیاد است و باید حقوق پرداخت شود. بندر و گمرکات درآمدهای زیادی دارند. همه اینها باید محاسبه شود، اما ما می‌خواهیم این فکر را تعمیم دهیم و چیزهایی را که بانک مرکزی به کمک سازمان ملل و بانک جهانی مدیریت می‌کند تحت محاسبه قرار دهیم. این‌امور را می‌خواهیم به بندر الحدیده یا بندر عدن، المکلا، المخا و ... نیز تعمیم بدهیم، حتی به درآمدهای جنوب تا یک حساب یکپارچه‌ای برای همه آنها باشد، اما متأسفانه چیزی را که مشاهده می‌کنیم این است که بعضی منافع شخصی خودشان را ترجیح می‌دهند و مردم را تحریک می‌کنند تا نسبت به این طرح‌ها و فکرها اعتراض کنند.

«آیا دولت جدید آمریکا در مقایسه با دولت قبلی توانسته تغییری را در پرونده یمن به وجود آورد. موضع دولت قبلی در طرح‌های جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا، خلاصه می‌شد. موضع دولت کنونی چیست؟

من با آقای رکس تیلرسون، وزیر خارجه و تعدادی از اعضای دولت جدید آمریکا در کاخ سفید و مشاوران ترامپ دیدار داشتم. چیزی را که من حس کردم دو موضوع بود که آشکارا هم اعلام کرده‌اند: یکی اینکه آنها با قدرت از تصمیمات شورای همکاری و ثبات کشورهای عضو آن قاطعانه حمایت می‌کنند. هرچیزی که این ثبات را تهدید کند برای آنها غیرقابل‌قبول است. دوم اینکه آنها نسبت به گسترش تروریسم خیلی حساس هستند. متأسفانه این جنگ و بی‌ثباتی موجود در یمن موجب گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی شده و آنها را قوی‌تر از گذشته کرده است.

«ما با وجود همه اینها به نظر می‌رسد شما هنوز نسبت به آینده یمن خوش‌بین هستید؟

بی‌تردید ما خوش‌بین هستیم. بگذارید بگویم متأسفانه اگر اراده سیاسی لازم وجود داشت خیلی زودتر این بحران حل می‌شد. ملت یمن خسته است، منطقه خسته است و این جنگ عواقب ناگوار و خطرناکی داشته است؛ هم از نظر گسترش تروریسم و هم بی‌ثباتی منطقه. شما می‌دانید کشتی‌رانی در دریای سرخ را هم دارد تهدید می‌کند.

«نقش مصر را در این بحران چگونه می‌بینید؟

از مصر تشکر می‌کنم. ملت مصر با آغوش باز از هزاران یمنی آواره استقبال کردند. الان تعداد اینها به صد هزار نفر می‌رسد. در دیدار با وزیر خارجه مصر و دبیرکل اتحادیه عرب دیدم که آنها حاضر به هرگونه همکاری برای حل این بحران هستند.

منبع: الاهرام



روزنه

سلطه ژنرال‌ها بر رسانه‌های مصر

حجم تبلیغات شبکه «دی‌ام‌سی» در ماه ژانویه گذشته در مصر، ابهاماتی را درباره مالکیت این شبکه و بودجه اختصاص‌داده‌شده به آن ایجاد می‌کند. اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر برای نخستین‌بار در تاریخ فعالیتش حاضر شد بعضی از استودیوهای خود را به این کانال جدید تلویزیونی اجاره بدهد. همچنین تلویزیون مصر حق نمایش ۷۰۰ سریال خانوادگی را فقط با نیم‌میلیون دلار در اختیار این شبکه گذاشت. پس از انتشار بعضی خبرها در رسانه‌های رسمی معلوم شد سرگرد عباس کامل، مدیر دفتر عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، در کنار تعدادی دیگر از بازرگانان مصری مدیریت گروهی از کانال‌های تلویزیونی جدید را با سرمایه‌ای معادل ۳۰۰میلیون دلار در اختیار گرفته‌اند. اسناد نشان می‌دهند تاریخ واگذاری مجوز این شبکه‌های تلویزیونی عملا به ابتدای ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ برمی‌گردد که دقیقاً هم‌زمان با رئیس‌جمهورشدن عبدالفتاح السیسی است. سرهنگ محمد سمیر، سخنگوی سابق نیروهای مسلح، نیز چند روز بعد از آنکه از ارتش استعفا داد، به ریاست شورای اداری کانال تلویزیونی ماهواره‌ای «العاصمه» برگزیده شد؛ اقدامی که به نظر می‌رسد در راستای گسترش سلطه ژنرال‌ها بر رسانه‌های مصر باشد.

محمد سمیر، سخنگوی سابق نیروهای مسلح، نیز چند روز بعد از آنکه از ارتش استعفا داد، به ریاست شورای اداری کانال تلویزیونی ماهواره‌ای «العاصمه» برگزیده شد؛ اقدامی که به نظر می‌رسد در راستای گسترش سلطه ژنرال‌ها بر رسانه‌های مصر باشد.

حضور نظامیان

قطب‌الدین العربی، مدیر دیده‌بان آزادی‌های رسانه در جهان عرب، سطره نظامیان بر قلمرو رسانه‌ها را یک امر طبیعی در دولت‌های نظامی می‌داند. العربی همچنین می‌گوید: «رژیم نظامیان نمی‌تواند با رسانه‌های آزاد هم‌خوانی داشته باشد، زیرا آنها طرح‌نظر و رأی آزاد مردم را برنمی‌تابند. مسئله امروز از مالکیت نظامیان بر بعضی از شبکه‌های تلویزیونی فراتر رفته و به آنجا رسیده است که بین همین کانال‌های دولتی و نظامی نیز رقابت ایجاد می‌شود». العربی برای مثال به کانال تلویزیونی «الحیاه» اشاره می‌کند که ماه گذشته بسته شد. در ظاهر امر گفته می‌شد که دلیل بسته‌شدن این کانال به‌خاطر بدهی‌های مالی بوده است، اما بعد معلوم شد علت اصلی چیز دیگری بوده است. طبق گفته العربی، سطره دستگاه‌های امنیتی، به‌خصوص سازمان اطلاعات کشور بر مجموعه‌ای از رسانه‌ها موجب شده است تا نتنها دهان گویندگان بسته شده و سیاست‌های مشخص و مقیدی را بر تحریریه‌ها اعمال کنند، بلکه موجب شده تا مالکیت این کانال‌ها نیز به صورت مستقیم یا به صورت ادغام در بعضی شرکت‌های دیگر مثل گروه کانال‌های تلویزیونی «دی‌ام‌سی» به دست نظامیان بیفتد.

بلندگوی کودتا

مصطفی خضری، مدیر مرکز مطالعات رسانه‌ها و افکار عمومی در مصر، می‌گوید دولت کنونی «به توانمندی رسانه‌ها به شکلی که نهادهای رسمی تل اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر ارائه می‌دهند، اعتقادی ندارد». وی بر این‌باور است که مالکیت نظام السیسی بر رسانه‌ها درواقع تلاشی برای بازتولید رسانه‌هایی شبیه به رسانه‌های دوران جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور فقید مصر، است که به شکلی کامل در خدمت نظام حاکم بود». خضری در گفت‌وگو با الجزیره می‌گوید رسانه‌های مصر چهار سال بعد از آن کودتای نظامیان «به بلندگوهایی برای دولت تبدیل شده‌اند که جامعه به آنها بی‌توجه است». بر اساس مطالعات صورت‌گرفته از سوی مرکز مطالعات رسانه‌ها و افکار عمومی مصر، کمدی، آشپزی و برنامه‌های دینی در صدر برنامه‌های این شبکه‌ها بوده و بیشترین مخاطب را دارد. حال آنکه برنامه‌های سیاسی کمترین اقبال را از سوی بینندگان دارند. این در حالی است که شبکه‌های اجتماعی در مصر به منبع اصلی خبر در این کشور تبدیل شده‌اند.

منبع: الجزیره

نگاه

لیبختدی که مشکلات لیبی را حل نمی‌کند

توافق بین «خلیفه حفتر»، فرمانده نظامی شرق لیبی و «فائز السراج»، نخست‌وزیر دولت ملی در پاریس، زیر نظر «امانوئل مکرون»، رئیس‌جمهور فرانسه، دستکم لیبختد را بر لب‌ها نشاند و وعده آتش‌بس و اجرای انتخابات در بهار آینده را داد. اما هنوز این لیبختدها از چهره پاک نشده بود که حفتر با اظهاراتش نشان داد شکاف‌ها عمیق‌تر از اینهاست. او گفت آتش‌بس محدود خواهد بود و اجرای انتخابات نیز برایش اهمیتی ندارد. مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، با ستایش از این توافق آن را گامی قوی در جهت صلح بین گروه‌های مسلح درحال‌ستیز دانست. شاید طرف‌های لیبی ناچار باشند برای بار دوم در جایی دیگر گرد هم جمع شوند، اما اظهارات حفتر بیانگر واقعیت‌های پیچیده موجود بر سر راه یکپارچه‌کردن طرف‌های مختلف است. تلاش‌های غرب تاکنون برای پایان‌دادن به بحران لیبی با شکست مواجه شده است. هدف از توافق پاریس، احیای توافقی بود که به وسیله سازمان ملل متحد در لیبی انجام شد تا این دولت عضو سازمان اوپک را که به پناهگاهی برای گروه‌های تندرو و قاچاقچیان انسان تبدیل شده است سروسامانی بخشد، اما پاریس ابعاد اصلی در این بحران را کنار گذاشت و پرداختن به اختلافات بزرگ درباره حفتر را به تعویق انداخت. در لیبی جنگ در چند جبهه جریان دارد. حفتر در شرق علیه ائتلافی از گروه‌های تندرو مذهبی و مخالفان سابق در بنغازی می‌جنگد و در درنه نیز به گروه‌های مسلح حملات هوایی می‌کند. در مواردی، درگیری‌های شدیدی بین گردان‌های رقیب صورت می‌گیرد. در سال کنونی نیز چندبار بین نیروهای متحد با دولت سابق و گردان‌های حامی سراج درگیری‌های شدیدی به وقوع پیوست.

انتخابات مهم نیست

حفتر شورای نخست‌وزیری مورد حمایت سازمان ملل متحد به ریاست سراج را نمی‌پذیرد و حتی یک‌بار گفته بود بعضی از اعضای آن به القاعده وابسته‌اند. این فرمانده نظامی می‌گوید اکثر دشمنانش را گروه‌های تندرو تشکیل می‌دهند و روزی به دست ارتش ملی سرکوب خواهند شد. حفتر فرماندهی این ارتش ملی را برعهده داشته و از سوی «عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهور مصر و دولت‌های امارات و روسیه نیز حمایت می‌شود. او به کانال فرانس ۲۴ می‌گوید: «آتش‌بس با طرف‌های میانه‌رو یا بعضی جوانانسی که مرتکب جرم‌های کوچکی شده‌اند و ما با آنها ارتباط داریم ممکن است. من به انتخابات اهمیتی نمی‌دهم، اما آینده لیبی و ثبات آن برایم مهم است». حفتر که متحد سابق سرهنگ شد نیرویی جمع کرده و پیروزی‌هایی را بر ضد دشمنان اسلام‌گرای خود در بنغازی به دست آورد. همچنین او موفق شد بنادر مهم خود بگیرد، و اکنون اشاره می‌کند که به پایتخت نزدیک شده است، اما حفتر کسی نیست که دیگران حتی در شرق روی شخصیت او اتفاق‌نظر داشته باشند. از سوی دیگر، السراج نیز با دشواری‌های



زیادی مواجه است و نمی‌تواند نفوذ دولت را در سطحی گسترده بسط دهد. اغلب گردان‌های مصراته در غرب از سراج حمایت می‌کنند، هرچند این حمایت ضعیف است. درعین‌حال گروه‌های مسلح دیگری حتی در درون پایتخت، یعنی طرابلس یا او مقابله می‌کنند. گردان‌های مصراته حفتر را تمسخر کرده و او را یک سردار جنگ توصیف می‌کنند. «متیا توالود»، کارشناس امور لیبی در شورای روابط خارجی اروپا، می‌گوید: «اگر این کنفرانس جز دست‌دادن نتیجه دیگری داشته باشد، به‌نفع گروه طرفدار جنگ در داخل اردوگاه حفتر تمام شده است.»

شکاف بر سر قدرت

بعد از سرنگونی قذافی، گروه‌های مسلح مخالف به جان هم افتادند. دو سال پیش در لیبی دو دولت و پارلمان رقیب شکل گرفت که یکی در شرق و دیگری در غرب است. از آن زمان سازمان ملل تلاش کرده با گفت‌وگوهای آشتی این شکاف را پر کند. دیپلمات‌ها می‌گویند با وجود اینکه حفتر حرف‌هایی زده است، اما صرف موافقت او برای برگزاری انتخابات و آتش‌بس بهترین گزینه در شرایط کنونی و به‌نفع مذاکرات سازمان ملل خواهد بود.

یک دیپلمات نزدیک به فضای مذاکرات می‌گوید: «همه اینها گامی به جلو بود. حفتر و سراج به‌تتهایی هیچ‌کدام قادر نیستند شرایط را عوض کنند. مسئله کاملاً تحت نظر سازمان ملل متحد است». مسئله‌ای که در مذاکرات پاریس به آن پرداخته نشد، درباره تشکیل شورای نخست‌وزیری و نحوه کنترل دولت بر ارتش لیبی در آینده و نیز نقشی است که حفتر می‌خواهد در دولت وحدت ملی داشته باشد. حفتر با اشاره به اعضای شورای نخست‌وزیری که معتقد است ارتباطاتی با القاعده و داعش دارند، به تلویزیون فرانسه گفت: «من جزئی از شورای نخست‌وزیری نیستم. من هرگز جزئی از گروه‌های تروریستی نبوده‌ام». ازاین‌رو به نظر نمی‌رسد فرانسه قادر باشد طرفین را اقناع کند. قرار است پارلمان شرق لیبی دولت سراج را به رسمیت بشناسد، اما چنین اتفاقی تا به‌حال رخ نداده است. یکی از کارشناسان امور آفریقا می‌گوید: «حفتر خیلی دوست دارد هرکس را که مخالفش است تروریست خطاب کند. این مسئله موجب می‌شود تا خیلی‌ها خارج از دایره این آتش‌بس قرار گیرند».

منبع: رویترز

